

چرا نشریه‌ی جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی ضروری است؟

با توجه به اینکه اغلب کشورهای دنیا منشور حقوق بشر مصوب در سازمان ملل متحد را به رسمیت شناخته و امضا کرده‌اند نیاز به بحث و یا دفاع از حقوق بشر در خارج از کشور موضوع جدی، هیجان انگیز و (انقلابی) جلوه نمی‌کند. ولی یک نگاه عمیق‌تر به مسئله سطحی بودن چنین اندیشه‌ای را ثابت می‌کند. آنچه مسلم است حقوق بشر در همه‌ی نقاط جهان نقض می‌شود. آنچه که متفاوت است شدت و وسعت چنین تجاوزاتی به ابتدایی‌ترین حقوق انسانی شهروندان هر جامعه‌ای است. نگاهی به مطبوعات و نشریات جدی حقوق بشر منجمله Amnesty Human right whatch، و یا نشریات معتبر مشابه دیگر این ادعا را ثابت می‌کند.

این مقاله در صدد این است که به چند سؤال اساسی زیر اگر نتواند پاسخ قطعی گوید حداقل وسعت و ضرورت پرداختن به آن را باز کرده و اهمیت آن را بیان کند. و در ضمن نگاهی داشته باشد به بحث‌های مطروح در مورد حقوق بشر و دموکراسی.

قبلاً باید یادآوری کنم که محورهای مطرح شده بیشتر جنبه‌های جامعه‌شناسانه، سیاسی و فلسفی حقوق بشر را مدنظر دارند تا جنبه‌های حقوقی آن. امیدوارم که در آینده دوستان صاحب نظر دیگری بتوانند در این زمینه‌ها به ارایه نقطه‌نظرات خود بپردازند. البته در صورتی که قادر به نشر، تکامل و حفظ چنین نشریه‌ای را داشته باشیم.

سالهای سال است که فیلسوفان، سیاستمداران و دانشمندان در رابطه با برابری حقوق بشر با قوانین طبیعی یعنی اینکه آیا این قوانین دارای چنان درجه‌ی بالای مصداقیت علمی هستند که با قوانین عام طبیعی چون قانون جاذبه زمین و حرکت نور و مشابه آن مقایسه شوند و یا اینکه فاقد چنین مشخصاتی هستند، مناظره، بحث و جدل می‌کنند. البته این بحث‌ها امروز کمتر مطرح است. مورد دیگر که بسیار جنجالی است ولی هنوز هم روی اصول آن درگیری وجود دارد این است که آیا حقوق بشر جهانشمول هستند یا اینکه نسبی و متعلق به فرهنگ، منطقه، و ملیت خاص. در این مقاله هدف این نیست که به سؤال‌های دامنه دار و طولانی این جنبی دامن زده شود. در آینده اگر موفق به ادامه نشر مجله گشتیم به این موارد که جنبه‌ی تئوریک و آکادمیک دارد و باعث تعمیق دید ما به حقوق بشر می‌شود خواهیم پرداخت. با توجه به اینکه در اکثر نقاط جهان هنوز هم دفاع از حقوق بشر یک امر سیاسی و اجتماعی برای نجبگان و روشنفکران است سؤال اساسی که برای ما مطرح می‌شود این است که: چگونه میشود که حقوق بشر و اصول دموکراتیک شناخته شده و پذیرفته شده را خودجوش و نهادی کرد؟

ادامه در صفحه ۲

فاجعه‌ی نیویورک

فاجعه‌ای که به مرگ بیش از پنج هزار نفر منجر شد، توسط تمامی انسانهای آزاد اندیش محکوم شده، می‌شود و خواهد شد. هیچ نیرویی و فردی مجاز نیست حق زندگی دیگران را سلب کند. این یکی از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی است. ولی سئوالی که بلافاصله به ذهن‌ها خطور می‌کند این است که چرا این جنایت اتفاق افتاد؟ چرا در آمریکا، چرا در منتهان و چرا امروز؟

آنچه که مسلم به نظر میرسد این است که ایالات متحده‌ی آمریکا در صدد انتقام‌گیری است و در تعریف حوادث اخیر از عنوان "جنگ و حمله بر علیه آمریکا" نام می‌برد نه مثلاً ترور.

امروز تمامی کشورهای غربی بطور بی‌سابقه‌ای از آمریکا حمایت کرده و اعلام پشتیبانی می‌کنند. مطبوعات غربی نیز که در کنترل کارتل‌های سرمایه‌داری غربی و آمریکایی هستند آتش‌بیار این معرکه هستند. سؤال این است که جنگ بر علیه کی و یا کدام کشوری؟ بنظر می‌رسد که امروز فرصت مناسبی است برای پیش بردن برنامه‌هایی که برای مثال، روسای جمهور سابق آمریکا موفق به اجرای کامل آن نشده‌اند. آنچه که مسلم است خشونت، خشونت کور دیگری را بدنبال خواهد داشت و جنگ جنگ دیگری را، راه مبارزه با ترور، ایجاد ترور و محیط و فضای ترور نیست.

امروز اگر نه برای مدت طولانی به یک نوع جنگ سرد و یا مک‌کارتیسم جدیدی پا گذاشته‌ایم که جز ایجاد فضای خفقان، کاهش آزادی‌های سیاسی و اختناق بین‌المللی که به جز یک دایره‌ی نحس خشونت به چیز دیگری تبدیل نخواهد شد. سیستم سیاسی، اقتصادی و نظامی حاکم بر آمریکا در سی و پنج سال اخیر به عنوان نیرویی که از حق



بلاواسطه گسترش کمی و کیفی سرمایه‌ی بزرگ دفاع می‌کند شناخته شده است. آمریکا در چشم جهانیان کشوری است که بعنوان وارث بدون چون و چرای سیستم کلنالیستی انگلیس و فرانسه و سایر کشورهای مشابه است که با استفاده از تمامی ابزار و سلاح‌ها برای حکمرانی نیروهای کاپیتالیستی و همچنین میکند شیرهی حیات مردم سایر کشورها استفاده کرده‌است. در پنجاه سال اخیر آمریکا و قطب مقابلش شوروی سابق عامل ایجاد ترور در دنیا بودند و هستند. نوع ترور این کشورها در زمره‌ی ترورهای دولتی به حساب می‌آیند.

دنیا و مردم آگاه دنیا فراموش نکرده‌اند که:

- یک میلیون از مردم ویتنام شمالی توسط سربازان، و بمباران هواپیماهای آمریکایی جان خود را از دست دادند.

- در کامبوج رژیم پول پوت توسط حمایت آمریکا به قدرت رسید و نتیجه‌اش کشتار بیش از دو میلیون مردم کامبوج بود. در جنگ سرد بین رژیم دیکتاتوری مستقر در مسکو و واشینگتن (بلوک شرق و غرب) استفاده از هر سلاحی جایز بود.

- در ایران، گرانادا، نیکاراگوآ، در شیلی، عراق و سومالی وضع بهتر از این نبوده. کشور آمریکا حق تفسیر بلاواسطه و مسلم قوانین بین‌الملل را برای خود قایل بوده و با قدرت از این حق تاکنون دفاع کرده‌است. یک ژنرال بازمانده از جنگ ویتنام که

ادامه در صفحه ۴

فراخوان استراسبورگ در الغای جهانی مجازات اعدام! مجازات اعدام به منزله چیرگی انتقام بر عدالت است!



گزارش دکتر عبدالکریم لاهیچی از نخستین کنگره جهانی بر ضد مجازات اعدام

نهضت لغو مجازات اعدام جهانگیر میشود، همچون الغای بردگی و لغو آپارتاید و تبعیض نژادی، زیرا که شناسایی و تأمین حقوق بشر و درصداً آن حق زندگی به منزله تصریح و تأیید کرامت و منزلت انسان است و تجاوز به حق زندگی معنای دیگری جز نفی منزلت انسان و هتک تمامیت جسمانی وی ندارد.

اگر هنگام تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ مجازات اعدام تنها در ۱۹ کشور لغو شده بود و بیست سال پیش که مجازات اعدام در فرانسه لغو شد، شمار این کشورها از ۳۵ کشور تجاوز نمی کرد، امروزه مجازات اعدام در ۱۰۸ کشور از مجموع ۱۸۹ کشور عضو سازمان ملل متحد، یا لغو و منسوخ شده و یا چنانچه مقدمات لغو قانونی آن هنوز فراهم نیامده، قبح آن مورد شناسایی قرار گرفته و اجرای احکام اعدام توسط قوه مقننه به حالت تعلیق درآمده است.

در اروپا، در پی تصویب ششمین پروتکل الحاقی به عهدنامه اروپایی حقوق بشر، لغو قانونی مجازات اعدام به عنوان پیش شرط عضویت در اتحادیه اروپا شناخته شد. و در شورای اروپا، تنها سه کشور روسیه، ترکیه و ارمنستان تاکنون به این پروتکل ملحق نشده‌اند، هر چند که اجرای احکام اعدام را به حالت تعلیق درآورده‌اند.

در جریان نخستین کنگره جهانی بر ضد مجازات اعدام که در روزهای ۲۱ تا ۲۳ ژوئن در استراسبورگ (فرانسه) برگزار شد، نمایندگان سازمانهای ملی و بین‌المللی حقوق بشر، کانونهای وکلای دادگستری، مبارزان بر ضد مجازات اعدام، نویسندگان، هنرمندان، حقوق‌دانان، جامعه شناسان، محکومان پیشین و رهاسدگان از "دهلیز مرگ"، بازماندگان قربانیان اعدام از چهار قاره جهان، درباره این مجازات غیرانسانی، غیرمورث، ظالمانه و تبعیض‌آمیز به تفصیل سخن گفتند. نام پنج کشور که گوی سبعت و وحشت و نفرت را از دیگران برده‌اند، برهمه زبانها جاری بود: چین، ایالات متحده آمریکا، ایران، عراق و عربستان سعودی.

در چین شمار اعدام بیشتر از مجموع کشورهای جهان است. در ایالات متحده آمریکا، کشوری که خود را مهد دموکراسی می‌داند و ادعای رهبری دنیا را دارد و در حرحال بزرگترین قدرت سیاسی، نظامی و اقتصادی است، سالانه ۳۰۰ تن به اعدام محکوم میشوند و از هر ۲۰ تن محکوم شده به اعدام، ۱۷ تن سیاهپوست هستند و یا تبار آمریکایی لاتین دارند.

در ایران شمار واقعی اعدام به مراتب بالاتر از ارقام رسمی است. در دو دهه گذشته شمار انسانهایی که به لحاظ وابستگی عقیدتی، مذهبی و سیاسی اعدام شده‌اند دهها برابر بیشتر از اعدام شدگان به اتهام قاچاق مواد مخدر، قتل، جرایم جنسی ... است.

در عراق ماشین اعدام در خدمت سیاست سرکوب و اختناق است و هر ساله صدها تن قربانی تصفیه حسابهای سیاسی میشوند، هر چند که در مورد

جرایم عمومی هم، همچون در عربستان سعودی و ایران، شیوه‌های وحشیانه و سبعانه اعدام همچون گردن زدن، سنگسار و دارزدن به کار گرفته میشوند.

سه نشست کنگره در مقر شورای اروپا برگزار شدند و اجلاس چهارم آن، بعد از ظهر جمعه ۲۲ ژوئن، در پارلمان اروپا به ریاست خانم نیکل فونتن و با حضور روسای مجالس ملی یا سنای کشورهای اتریش، اسپانیا، اوکراین، ایتالیا، بلژیک، پرتغال، ساحل عاج، شیلی، فرانسه، کامبوج، لیتوانی، گرجستان، مالت، هلند و یونان انعقاد یافت.

اوکراین آخرین کشور اروپایی است که به جرگه کشورهای اروپایی لغو کننده مجازات اعدام پیوسته است. شیلی قاره آمریکای لاتین را نمایندگی می‌کرد که در لغو مجازات اعدام سرآمد است. اما حضور رئیس سنای شیلی از دو جهت حائز اهمیت بود. نخست اینکه مجازات اعدام طی ماههای اخیر در شیلی لغو شده. دیگر اینکه در دموکراسی نو بنیاد شیلی که بیش از یک دهه نیست که سالهای پر درد و رنج دیکتاتوری نظامی پینوشه را با هزاران قربانی پشت سر گذارده، مجازات اعدام لغو میشود.

نماینده‌ی قاره سیاهکار آسیا را کشور کامبوج عهده‌دار شده بود و شاهزاده نوردوم رانارید رئیس مجلس ملی کامبوج در سخنان پر شور خود از جنایات ضد بشری پول پوت و فاجعه‌ای که صدها هزار قربانی به بار آورد، یاد کرد. وی اضافه کرد که مردم و حکومت کامبوج بر آن شدند که برای استقرار صلح اجتماعی و وفاق ملی به دوستی و عشق و شفقت و رافت و عطفوت که در مذهب آنان ریشه دارند، روی آورند و مجازات اعدام را حتی درباره متهمان به جنایات ضد بشریت که برخی از آنان در ماههای آینده محاکمه خواهند شد، به مرحله اجرا نگذارند.

رئیس مجلس ملی ساحل عاج که قاره آفریقا را نمایندگی می‌کرد، در توجیه لغو مجازات اعدام در ماههای اخیر، در کشور خود، گفت: که ما به این نتیجه رسیدیم که جنگ، کودتا، فقر، بیماری، قحطی، خشکی و بی‌آبی به حد کافی و وافی در قاره آفریقا قربانی می‌گیرد و ضرورتی ندارد که ما با آدمکشی قانونی بر شمار قربانیان بیفزاییم.

سپس فراخوان استراسبورگ که ساعتی پیش به تصویب شرکت کنندگان در کنگره رسیده بود، در پارلمان اروپا قرائت شد و روسای مجالس ملی و سنای حاضر در پارلمان اروپا در معیت رئیس

ادامه در صفحه ۳

سازمان ملل و کنفرانس جهانی محکوم کردن نژادگرایی و تبعیض نژادی منبعث از آن

م. آراز - سوم سپتامبر ۲۰۰۱، گوتنبرگ

امپریالیسم جهانی و قدرت‌های استعمارگر دیروز، امروزه تغییر ماهیت بنیادی داده و دموکرات شده‌اند. حوادث سالهای اخیر در خلیج فارس حمایت غرب از رژیم‌هایی چون اسرائیل، ترکیه عراق قبل از اشغال کویت و جریانهای تروریستی مهلا در انگولا و یا چومبه در کنگو و حمایت از دیکتاتوری چون پینوشه، ژنرال‌های آمریکای لاتینی و فوجی‌مورو افشاگر امپال ضد دموکراتیک و ضد انسانی چنین سیستم‌هایی است.

انتظار می‌رود که این کنفرانس و گروه‌های کاری متشکله، بررسی و برخورد واقع‌بینانه به کانون‌های بحران در جهان از جمله بحران بین اعراب و اسرائیل، جنگ چین و اعمال جنایتکارانه ارتش روسیه، جنایات بدون حد و مرز طالبان افغان بر علیه مردم ستم دیده افغانستان، جنایات و نقض آشکار و بی‌وقفه حقوق مردم ایران، تجاوزهای آشکار به حقوق و خواسته‌های اقلیت‌های فکری مذهبی در چین، درگیری‌های قومی در بالکان، کانون‌های بحران در کشورهای قرار گرفته در جنوب صحرای افریقا و ده‌ها منطقه و کشور دیگر محکوم کرده و برنامه‌های عملی در رعایت بدون قید و شرط حقوق ابتدایی و ثانوی بشر در مناطق بحران زده را تدوین نموده و جاری کنند.

همانطوریکه در چند سال اخیر متداول بوده ۳۰۰۰ تشکل مردمی که در غرب با عنوان NGOs یعنی سازمانهای مردمی و غیر دولتی نامیده می‌شوند و معمولاً هم‌زمان با کنفرانس مجمع عمومی سازمان ملل جلسات خود را برگزار می‌کنند، با توافق آرا اسرائیل را بعنوان کشوری که از اعمال ترور فاشیستی در تصویب قومی و راندن اقلیت‌های عرب و فلسطینی استفاده می‌کند و همچنین عامل کشتار فلسطینی‌ها در پنجاه سال اخیر است بعنوان یک دولت متجاوزگر، آپارتید، راسیستی و عامل درگیری‌های موجود شناخته و محکوم کردند. این حرکت مترقی کار کنفرانس سازمان ملل را بیش از پیش دچار مشکل خواهد کرد.

غرب و نویسندگی مورد ذکر در کجا و چگونه مصرف می‌شود؟ این یک مورد از سفسطه‌ی کشورهای مزبور است. شما خود حدیث مفصل بخوانید از این مجمل. افکار عمومی جهان بی‌صبرانه در انتظار نتیجه این کنفرانس می‌باشد. جالب خواهد بود که کشورهای بزرگ و باصطلاح دموکراتی که داعیه حقوق بشر و دموکراسی را دارند چه واکنشی در مقابل کشورهایی که خواهان تعمیق و عملی شدن پیمان‌ها و منشورهای مدونه و مصوبه در سازمان ملل که امروزه بعنوان سردمدار و در رأس سازمان‌های دفاع از حقوق بشر قرار دارند نشان می‌دهند و چه برنامه‌های عملی که منجر به رسمیت شناخته شدن برابری انسان‌ها در برابر قانون و مقامات و لغو اعدام و مشابه آن چه از آن بیرون تدوین و تصویب خواهند کرد.

آنچه که باعث تاسف است این است که مسائل خاورمیانه و درگیری بین اسرائیل و فلسطین اگر چه مورد کوچکی نیست ولی نمیتواند محوری‌ترین بحث کشورهای شرکت‌کننده گشته که خود باعث کاهش توافق عمومی جهت محکومیت راسیسم، تبعیض نژادی و از بین رفتن حقوق اقلیت‌های مختلف در مناطق مختلف جهان گردد. البته ناگفته نماند که در دستور جلسه‌ی این کنفرانس، اختلافات بالفعل و بالقوه‌ی دیگری وجود داشته و تلاش برگزارکنندگان در دور زدن این مشکلات و شکاف‌های عظیم فکری، مالی و تکنیکی موجود خیانتی است به مبارزین حقوق بشر است. ساده‌انگاری است اگر فکر کنیم که

مردم کشورهای تحت ستم به‌گونه‌ی دیگر تفسیر می‌کنند هشدار دادند.

از موارد دیگر که باعث تعجب و تردید تعدادی و منجمله اکثر کشورهای غربی قرار گرفته بحث‌هایی پیرامون پرداخت غرامت کشورهای استعمارگر سابق به نوادگان بردگان افریقایی است که اکثراً مقیم امریکا، افریقای جنوبی یا جزایر پیرامون امریکا هستند. در یکی از روزنامه‌های انگلیسی زبان نویسندگی‌ها به نمایندگی از جوامع غربی مدعی است که غرب و کشورهای مستعمره‌گر سابق توسط کمک‌های بلاعوض اقتصادی و تکنیکی آن درخواستی که امروزه مطرح است سال‌ها است که در حال انجامش هستند. ادعایی که در واقع بسیار مضحک بنظر میرسد.

مردم تائید منابع علمی و دانشگاهی، سیاسی و مردمی اکثر کشورهای غربی هم هست در گزارش‌های سالانه‌ی خود تاکید می‌کند که فاصله‌ی رفاه اقتصادی بین کشورهای غنی و فقیر در حال افزایش مستمر است.

این شکاف و فاصله‌ی عظیم از هشت برابر از دهی هفتاد امروزه به بیست پنج برابر امروز افزایش پیدا کرده است. بدین ترتیب اگر آلمان، انگلیس، امریکا و غیره سی سال پیش هشت برابر ثروتمندتر از آنگولا، ال‌سالوادور، موزامبیک، افغانستان، پاکستان و بنگلادش بودند این فاصله امروز به بیست پنج برابر و یا بیشتر رسیده است. سوئالی که مطرح می‌شود این است که کمک‌های اقتصادی ادعایی

در مقاله‌ی آغازین منتشره در این نشریه به تکرار نقض حقوق بشر در اکثر کشورهای دنیا اشاره کردیم. در این مقاله به مواردی از این نقض و اقداماتی که در جریان است می‌پردازیم. سازمان ملل متحد ارگانی که منشور حقوق بشر اولین بار در سال ۱۹۴۸ در آن با حضور رسمی اکثر کشورهای عضو به تصویب رسید این روزها برگزارکننده‌ی یک کنفرانس بزرگ دیگری است که به نام "راسیسم و تبعیض نژادی منبعث از راسیسم" نامیده شده است.

موضوع اساسی این کنفرانس هنوز هم که هنوز است مقابله و رودررویی با بزرگترین عامل کشتار انسان‌ها یعنی وجود ایدئولوژی برتری طلبی نژادی و تبعیض نژادی در دنیا است. از موارد جنینال برانگیز در این کنفرانس در دستور جلسه قرار گرفتن صهیونیسم و برابر دانستن آن به عنوان یک ایدئولوژی نژادگرایانه و محکوم ساختن آن است. تعدادی از کشورهای ابرقدرت (باصطلاح دموکرات) یا در کنفرانس شرکت نمی‌کنند و یا در تصویب منشورهای مطروحه‌ی احتمالی آن را بایکوت خواهند کرد. طبق آخرین گزارشات کشورهای امریکا، اسرائیل، کانادا و احتمالاً استرالیا کنفرانس را ترک خواهند کرد. قابل توجه است که هیئت شرکت‌کننده از امریکا اسرائیل و پاره‌ای از کشورهای دیگر نمایندگان بلند پایه‌ی و طراز اول نبودند.

دبیر کل سازمان ملل از سران و نمایندگان شرکت‌کننده در جلسه‌ی افتتاحیه در خواست کرد که تمامی قدرت خود را در قانونی کردن و اجرائی کردن امر احترام به حقوق بشر و مبارزه بر علیه نژادگرایی، تبعیضات قومی و راسیسم را بکار ببرند. رئیس جمهور سنگال از نژادپرستی روشنفکران و خبرنگاران صحبت کرده و تعداد کثیری از روسای جمهور آسیائی و افریقایی بر علیه حکومت‌های استعمارگر که امروز حافظه‌ی تاریخی خود را از دست داده‌اند و جنایات بر علیه

چرا نشریه‌ی جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی ضروری است؟

ادامه از صفحه اول

- آیا عمومیت یافتن و متداول شدن دموکراسی و رعایت حقوق بشر ارتباطی به رشد اقتصادی و تکنیکی جوامع دارد و یا اینکه این قوانین علیرغم درجه رشد علمی، تکنیکی، سیاسی هر منطقه‌ای قابل اجرا در جوامع مختلف هستند؟

- در صورتیکه احترام به آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های فردی در گرو رشد اقتصادی و تکنیکی جوامع بشری است آیا فعالین پیاده شدن و عمومی شدن چنین حقوقی هم‌زمان بایست در چند عرصه‌ی یاد شده فعال باشند یا اینکه به اولویت‌هایی دیگری را مد نظر داشته باشند. برای مثال فرق بگذارند بین فعالیت در انجمن‌های مردمی عام‌المنفعه و سایر فعالیت‌های سیاسی، علمی و اقتصادی؟

- آیا حقوق فردی و حقوق اجتماعی در تضاد با هم دیگر هستند و یا اینکه دفاع از حقوق افراد در نهایت به احقاق حقوق اجتماعی مردم در جامعه ختم می‌شود؟ مثالی می‌تواند سؤال را روشن‌تر کند. قوانینی چون مالیات بر درآمد و یا داریی و صرف چنین درآمد‌هایی در ایجاد جامعه‌ی رفاه اجتماعی پایه‌ی اساسی کار هر دولت رفاه را تشکیل می‌دهد. تخصیص بخشی از بودجه دولت در ایجاد و نگهداری اداراتی مثل اداره‌ی کار و یا بیمارستان‌های دولتی و حق مونوپول اداره‌ی چنین موسساتی در مقابل سرمایه‌ی خصوصی باعث کاهش دخالت افراد در سرمایه‌ی خصوصی در این عرصه‌ها می‌شود. طبیعاً این امر در تضاد با آزادی‌های فردی قرار می‌گیرد که خواست احزاب

دسترسی به امکانات مادی و انسانی در روند کار از ضروریاتی است که توسط مسئولین و هیئت مدیره و اعضا می‌بایست تامین شود. به دیگر بیان درک خواست‌ها و نیازهای مقطع فعلی و انطباق آن با مکان جغرافیایی مشخص بخش جدی از هویت کار دموکراتیک و دفاع از حقوق بشر را تشکیل می‌دهد.

مسئول نشریه جامعه: محمد فنی
(یوته‌بوری دهم سپتامبر ۲۰۰۱)

رشد، تکامل و ارتقا تئوریک اعضا، خوانندگان و همچنین عموم مردم و تعمیق بیشتر در نوع و اشکال پیاده شدن چنین حقوقی باید باشد. توضیح ضرورت ارتقا چنین حقوقی و اشکال درخواست پیاده شدن این چنین حقوقی نیز امر کوچکی نیست. در این میان مناسب است که تعریف و استنباط ما از معنی و مفاد اساسی مطروحه در قوانین حقوق بشر و انطباق آن در جامعه‌ی ایران تدقیق بیشتری شود. هدف این در این مرحله ایجاد، درک مشترک و دسترسی به مفاهیم، قوانین، تئوری‌ها و عمل مشترک است.

۲- ارتقا و رشد ارگانیک سازمان‌های مدافع حقوق بشر و دموکراسی. در این راستا ایجاد ارتباط منظم و بادوام در بین اعضا و طرفداران چنین نهادهایی از ضرورت‌های کار است. در نهایت چنین ارتباط‌هایی می‌بایست به ایجاد شبکه‌ای قوی از این سازمان‌ها منتهی شود.

۳- گسترش دادن دامنه‌ی فعالیت عملی فعالین از موارد موضعی و پراکنده به فعالیت‌های وسیع، عمومی و متمرکز مرحله‌ی سوم کار در عرصه‌ی دفاع پایدار و بی‌وقفه از حقوق بشر و دموکراسی را تشکیل می‌دهد.

۴- با استفاده از تکنیک‌های ارتباطی و سایل ارتباطی جمعی، ایجاد شبکه‌های کار، مدیریت جدید مردمی و از درون و بردباری و استمرار در کار می‌بایست به وسعت و دامنه‌ی کار و حرکت آن، کمیت و کیفیت تازه‌ای داد به طوری که چنین سازمان‌هایی و بالاخص "جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی" بتواند در کوتاه‌ترین مدت لازم قانونیت و مشروعیت لازم را جهت اعمال فشار و همچنین جذب نیروهای فعال کسب کنند.

و حکومت‌های لیبرال است. سؤال این است که کدام یک از این نوع آزادی‌ها اولویت دارد و چگونه می‌شود بین تحقق حقوق شهروندان و رفاه مورد نظر دولت ملی رفاه و جامعه بالانس ایجاد کرد؟

- رابطه قدرت و سازمان‌های اعاده‌کننده قدرت با نقض حقوق بشر؟ آیا هر قدرتی الزاماً به استفاده‌ی منفی گروهی و فردی از آن ختم می‌شود و یا اینکه قدرت مثبت و انسانی هم وجود دارد؟ با توجه به وضعیت موجود حقوق بشر و یا به بیان درست‌تر نقض حقوق بشر و عدم رعایت ابتدایی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین اصول دموکراتیک انسانی و شکنجه‌ی روزانه‌ی میلیون‌ها شهروند کشورمان و میلیون‌ها انسان‌های دیگر که هرروزه قربانی جهالت‌ها، غرض‌ورزی‌ها و یا جنایت‌های سازمان‌یافته‌ی سیستم‌های سیاسی قرون وسطایی می‌شوند، ضرورت کار مستمر و سازمان‌یافته در دفاع از دموکراسی و تعمیق و استمرار تکامل حقوق انسانها هر روز از قبل بیشتر مشهود می‌شود. بدیهی است که "جامعه‌ی دفاع از حقوق بشر و دموکراسی" در پاسخ به این نیازها شکل گرفته است و تا زمانی که افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، دارندگان عقیده، مذهب و ایدئولوژی دگرگونه در ایران و هر جای دیگر دنیا تحت تعقیب، مجازات، اعدام، سنگسار و تبعیض قرار می‌گیرند حیات و رشد چنین بنیادهایی امری است ضروری.

به نظر من یک ارگان و جمعیت دفاع از حقوق بشر می‌بایست حداقل در عرصه‌های مشخص زیر را (تحت شرایط فعلی) در اولویت و دستور کار خویش قرار دهد:

۱- یکی از مهمترین عرصه‌های کار در خارج کشور

گاهنامه
جامعه
زیر
نظر
هیئت
تحریریه

در ماده یک عهدنامه بین المللی بر ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای وحشیانه، ضد بشری یا اهانت آمیز مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ که از تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ قدرت اجرایی یافته، شکنجه چنین تعریف شده است:

هر عملی که در انسان تولید درد یا رنج شدید جسمی یا روحی کند و به قصد گرفتن اطلاعات یا اقرار از او یا شخص ثالث و یا به قصد مجازات عملی که وی یا شخص ثالث مرتکب شده و یا مظنون به ارتکاب آنست، به طور عمد بر انسان اعمال گردد....

بنابراین لفظ شکنجه نه تنها در مفهوم و معنای عرفی و تاریخی (کلاسیک) خود تعریف شده که هر گونه مجازات بدنی و بدرفتاری جسمی و روحی رانیز در بر می‌گیرد. این تعریف یکی از مظاهر اصل احترام به تمامیت جسمی و روحی انسان به شمار می‌آید که خود ضامن حرمت منزلت و کرامت و حیثیت انسان است.

در ماده ۴ آمده است که همه کشورهای عضو این عهدنامه، در قوانین جزایی‌شان، شکنجه را جرم و قابل مجازات تلقی می‌کنند، به گونه‌ای که مجازات متناسب با اعمال ارتکابی باشد.

ماده ۵ این عهدنامه راجع به صلاحیت دادگاههای کشورهای متعاقد است. علاوه بر اصل صلاحیت محلی که به موجب آن دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم دادگاهی است که آن جرم در حوزه (منطقه) جغرافیایی آن صورت گرفته، در این ماده دادگاههای کشورهای عضو این عهدنامه، صلاحیت رسیدگی به موارد زیر را هم دارند:

- ۱- چنانچه مرتکب تابعیت آن کشور راداشته باشد.
- ۲- چنانچه قربانی شکنجه، تابعیت آن کشور راداشته باشد.
- ۳- چنانچه متهم به ارتکاب شکنجه در قلمرو آن کشور به سر برد.

در قضیه پینوشه، بازررس اسپانیایی به استناد همین ماده خواستار استرداد دیکتاتور پیشین شبیلی از انگلستان شد. اسپانیا و انگلستان متعاقد این عهدنامه بودند و پینوشه، هر چند که تابعیت اسپانیایی نداشت و جنایات دوران دیکتاتوری وی، از جمله



دکتر عبدالکریم لاهیچی

رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران

نایب رئیس فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر

E-mail: lddi@wanadoo.fr

حدود مسئولیت جزایی بین المللی آمران و عاملان مجازات‌های وحشیانه و ضدبشری

وحشیانه و اهانت آمیزند و نه به دستاویز آنکه در جامعه‌ها و مناسبات قبیله‌ای ۱۴۰۰ سال پیش چنین مجازات‌هایی مرسوم بوده و بدین اعتبار مورد پذیرش شارع اسلام قرار گرفته اند (احکام امضایی)، به چنین رفتارهای سفاکانه و رذیلتانه رنگ و لعاب دینی الهی بزنند و سیاست ترور و وحشت ماههای اخیر خویش را تداوم بخشند.

برنقض مداوم و مستمر اصول حقوق بشر و از جمله میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی توسط حکومت ایران نه تنها آثار و عوالب سیاسی حقوقی مترتب‌اند و بیش از دو دهه است که جمهوری اسلامی ایران بارها و بارها از سوی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، کمیته حقوق بشر، پارلمان اروپا.... در قطعه‌نامه‌ها مکرر و متعدد به نقض حقوق بشر و عدم ایفای تعهدات و الزامات بین المللی خود محکوم شده است، بلکه مسئولیت جزایی آمران و عاملان این جرم بین المللی، فارغ از کشور محل وقوع (ایران)، راهم ایجاب می‌کند.

اگر هاشمی شاهرودی که دستور اجرای این مجازات‌های وحشیانه را صادر کرده و با وجود مخالفت برخی مسئولان دولتی و محافل مطبوعاتی بر اجرای آنها اصرار و ابرام می‌ورزد هر روزه در گوشه و کنار تهران و سایر شهرها مردم ناظر صحنه‌های وحشتناک شلاق زدن جوانان تا مرز خون آلود کردن پیکر آنان هستند، روزگاری قصد مسافرت به یکی از کشورهای عضو عهدنامه بین المللی منع شکنجه و مجازات‌های ظالمانه و ضد بشری را کند، دادگستری آن کشور، در صورت

اقامه شکایت از سوی شاکیان خصوصی (شلاق خورده‌ها) صلاحیت رسیدگی به آن شکایت و احضار و تعقیب و مجازات هاشمی شاهرودی را خواهد داشت. همین حکم در باره به اصطلاح قاضیانی که چنین احکامی را صادر می‌کنند و همچنین ماموران اجرای حکم (شکنجه) جاری و ساری خواهد بود.

بنابراین کشور ایران، فارغ از نوع حکومتی که بر آن حکم می‌راند، مطابق عرف بین المللی و موازین حقوق بین الملل عمومی و به صراحت متن میثاق یاد شده، ملزم و متعهد است که در قوانین خود مجموعه‌ای از حقوق مندرج در آن میثاق و از جمله اصل ممنوعیت شکنجه و مجازات‌های وحشیانه و رذیلتانه را، به رسمیت بشناسد.

از اینرو کمیته حقوق بشر که ناظر بر چگونگی اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی از طرف کشورهای عضو آنست، بارها و بارها مواد نقض این میثاق را به جمهوری اسلامی ایران یادآور شده و با تذکار مواد متعددی از قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی که با اصول این میثاق تناقض دارند، از حکومت ایران خواسته است که به انطباق قوانین اساسی و عادی خود با متن و روح میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی دست یازد.

عدم پیوستن جمهوری اسلامی ایران به عهدنامه بین المللی منع شکنجه و مجازات‌های وحشیانه و ضد بشری هم، رافع مسئولیت سیاسی و حتی حقوقی جزایی حکومت ایران نیست. زیرا که در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هم مجازات‌ها و رفتارهای ظالمانه، ضد بشری و موهن در ردیف شکنجه آمده اند.

مسئولان جمهوری اسلامی نه می‌توانند منکر این واقعیت شوند که سنگسار کردن، گردن زدن، دست بردن، شلاق زدن.... مجازات‌های ضد انسانی،

شکنجه، هم بر روی خاک اسپانیا به وقوع نپیوسته بودند، ولی قاضی اسپانیایی که به چند فقره از شکایت‌های خانواده‌های برخی از قربانیان آن جنایات، که تابعیت اسپانیایی داشتند، رسیدگی می‌کرد، از حکومت انگلستان درخواست کرد که آگوستو پینوشه را که برای استراحت یا معالجه به انگلستان سفر کرده بود، به اسپانیا تحویل دهد.

از سوی دیگر به موجب ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری فراداد که ظالمانه و یا بر خلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد.

این اصل در ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی هم بدین عبارت مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است: هیچ کس را نمی‌توان مورد آزار و شکنجه یا مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تزیلی قرار داد.

می‌دانیم که کشور ایران اعلامیه جهانی حقوق بشر را امضاء کرده و در سال ۱۳۵۴ با تصویب قوه قانونگذاری ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق شده است. در بند ۲ ماده دوم این میثاق آمده است که هر کشور طرف این میثاق، متعهد می‌شود که بر طبق اصول قانون اساسی خود و مقررات این میثاق، اقداماتی در زمینه اتخاذ تدابیر قانونگذاری و غیر آن به منظور تنفیذ حقوق شناخته شده در این میثاق که قبلاً به موجب قوانین موجود یا تدابیر دیگر لازم‌الاجراء نشده است، به عمل آورد.

مجازات اعدام ببینند:

کشورهایی که احکام اعدام را به مورد اجرا نمی‌گذارند، به منع و لغو قانونی مجازات اعدام دست یازند:

کشورهایی که نوجوانانی را که در زمان ارتکاب جرم صغیر بوده اند، به مجازات اعدام محکوم می‌کنند، به این نق‌فاحش حقوق بین الملل پایان دهند:

- بیماران روانی به مرگ محکوم نشوند؛
- کشورهای که مجازات اعدام را لغو کرده و یا احکام اعدام را به مرحله اجرا نمی‌گذارند، از مسترد نمودن مجرم‌ان به کشورهای که به مجازات اعدام دست می‌یازند، هر چند که به آن کشورها تضمین کافی داده شود که مجرم مسترد شده به اعدام محکوم نخواهد شد، خودداری نمایند.

- تمام کشورها نسبت به انتشار مرتب و شفاف همه‌ی اطلاعات درباره محکوم شده‌گان به اعدام، شرایط زندان و چگونگی اجرای مجازات اعدام، دست یازند.

ما از اقدام شورای اروپا در رسیدگی به اینکه آیا ایالات متحده آمریکا و ژاپن با وجود اجرای حکم اعدام، همچنان می‌توانند از عنوان ناظر در شورای اروپا برخوردار شوند، پشتیبانی می‌کنیم، ما از شورای اروپا درخواست می‌کنیم که مصرانه از ترکیه، روسیه و ارمنستان بخواهد که به الغای قطعی مجازات اعدام، درباره همه مجرم‌ان و نسبت به همه یجرایم، مبادرت نمایند.

ما از اتحادیه اروپا می‌خواهیم که در چارچوب روابط بین المللی خود، اقداماتی را که در راستای

فراخوان استراسبورگ در الغای جهانی مجازات اعدام

ادامه از صفحه اول

پارلمان اروپا با امضای فراخوان تعهد کردند که در راستای تحقق خواسته‌های مندرج در آن از هیچ اقدامی دریغ نورزند.

ترجمه فارسی

فراخوان استراسبورگ

ما شهروندان جهان که به مناسبت نخستین کنگره جهانی بر ضد مجازات اعدام در روزهای ۲۱ تا ۲۳ ژوئن، در استراسبورگ گرد هم آمده‌ایم، اعلام می‌داریم که: مجازات اعدام به منزله چیرگی انتقام بر عدالت است و به نخستین حق انسان، حق زندگی، تجاوز می‌کند. مجازات اعدام شدیدترین مصداق شکنجه و مجازات‌های وحشیانه، غیرانسانی و اهانت آمیز به شمار می‌آید. جامعه‌ای که به مجازات اعدام دست می‌یازد، در واقع به تشویق خشونت می‌پردازد. هر جامعه‌ای که به کرامت و منزلت شهروندان خود ارجح می‌گذارد، باید به لغو مجازات اعدام دست یازد.

ما با اظهار خوشوقتی از اینکه روسای مجالس قانونگذاری حاضر در استراسبورگ در فراخوان مور ۲۲ ژوئن، خواستار تعلیق جهانی اجرای احکام اعدام در راستای الغای جهانی مجازات اعدام شده‌اند، به منظور تحقق این هدف از همگان، شهروندان، حکومت‌ها و سازمانهای بین المللی دولتی درخواست می‌کنیم که:

- به عهدنامه‌های بین المللی و منطقه‌ای لغو

الغای مجازات اعدام آغاز شده است، پی‌گیری کند. ما، علاوه بر توصیه‌های یاد شده، به انتشار درخواست‌های مناسب با وضعیت هر کشور در جهت لغو مجازات اعدام، اقدام خواهیم نمود. ما متعهد می‌شویم که در جهت برپایی یک دفتر هماهنگی جهانی مرکب از سازمانها و مبارزان برضد مجازات اعدام که از جمله هدفهای آن تعیین یک روز جهانی برای الغای مجازات اعدام است، کوشش نماییم.

ما از دارندگان حرفه‌های قضایی و پزشکی درخواست می‌کنیم که بر ناسازگاری نظام ارزشی حرفه‌ای آنان با مجازات اعدام اصرار ورزند و بر مبارزه خود در راستای لغو مجازات اعدام بیفزایند.

ما به نهضتی که در راستای جمع‌آوری امضا توسط "سازمان عفو بین الملل"، "فدراسیون بین المللی جامعه‌های حقوق بشر"، "همه بر ضد مجازات اعدام" و دیگر سازمانهای مبارزه با مجازات اعدام آغاز شده، می‌پیوندیم و از همه مخالفان با مجازات اعدام دعوت می‌کنیم که فراخوان زیر را امضا کنند:

ما، شهروندان جهان، توقف فوری اجرای احکام اعدام همه محکوم شدگان به مرگ و الغای جهانی مجازات اعدام رادرخواست داریم.

ما از همه‌ی حکومت‌ها می‌خواهیم که از هر گونه اقدامی در راستای تعلیق جهانی مجازات اعدام توسط سازمان ملل متحد، به منظور تحقق الغای جهانی مجازات اعدام، دریغ نورزند.

از پیمان نامه سازمان ملل در باره کودکان

ماده ۱۳

۱) کودک حق آزادی بیان دارد و این حق در پیوند با آزادی آگهانش است که کودک بدون ترس از محدودیت‌های حکومتی، دانستی‌ها و افکار متنوع خود را در قالب کلمات، دست‌نویس یا چاپ، کارهای هنری یا هر طریق و یا هر وسیله‌ی انتخابی دیگر، بیان کرده، دریافت نموده و یا به دیگران بدهد.

۲) اجرای این حق می‌تواند از طرف قوانین دیگری که لازم هستند، محدود شود:

الف) بخاطر حفظ حقوق شهر فردی دیگر.

ب) بخاطر حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، اخلاق و عفت عمومی و یا سلامتی جامعه.

ماده ۱۵

۱) حکومت‌ها حق کودک برای شرکت در اجتماعات را به رسمیت می‌شناسند.

۲) اجرای این حق نباید با امنیت ملی و نظم عمومی مبادرت داشته و منافی اخلاق عمومی و یا برخلاف حقوق اولیه و آزادی دیگری باشد.

گزارشی کوتاه از کار جامعه در طی ۶ ماه گذشته

دوستان:

در طی شش ماه گذشته هیئت‌مدیره جامعه علیرغم مشکلات و کم‌تجربگی که داشت توانست در حد توان خود فعالیت‌های معینی را در دستور کار خود قرار داده و پیش ببرد. در طی این مدت تلاش ما بر این بود که فعالیت‌هایی را در دستور کار خود قرار دهیم که در درجه اول در حد توان و کارایی ما باشد. یکی از مشکلاتی که در طی شش ماه گذشته همواره با آن روبرو بودیم، مشکلات حرفه‌ای و کم‌تجربگی اعضا هیئت‌مدیره در کارهای انجمنی بود. به عقیده ما نشان دادن عکس‌العمل بموقع و لازم نسبت به وقایع و تحولاتی که در جامعه ما و جهان پیرامونی می‌گذرد، لازمه‌اش داشتن یک یا دو کادر فعال می‌باشد که نسبتاً وقت بیشتری در پیگیری و توجه به اخبار مندرج در نشریات درون کشور و نیز گوش‌دادن به سایر رسانه‌های خبری را داشته باشند. ما چنین کاری را نداشتیم. بعلاوه در ماه‌های اول خود جمع هیئت‌مدیره از درون دچار پاره‌ای از مشکلات شد که تداوم کار فعال آن نیاز به ترمیم داشت. چنین ترمیمی به دو شکل می‌توانست صورت گیرد:

- ۱- دعوت از اعضا علی‌البدل و دوم برگزاری اجلاس فوق‌العاده بود. در مورد اول هر دو نفر اعضای علی‌البدل هیئت‌مدیره هر کدام به دلایل ویژه‌ای نتوانستند در جلسات هیئت‌مدیره شرکت کنند. در مورد دوم یعنی فراخواندن اجلاس فوق‌العاده مستلزم تدارکات لازم بود که این خود نیز وقت گرفت. آنچه که در عمل پیش رفت ادامه کار با اعضا موجود بود. البته در ماه‌های آخر یکی از بازرسان در کنار هیئت‌مدیره شروع بکار کرد و عملاً مانند یکی از اعضای هیئت‌مدیره ما را یاری داد. انبوه کارهای موجود همیاری و شرکت فعال تک‌تک اعضا جامعه و دوستان‌شان مسائل

دستگیری و محاکمه آقای اشکوری.
۶- صدور اعلامیه در مورد محکوم کردن دادگاه موسوم به کنفرانس برلین.
۷- صدور اعلامیه مشترک در مورد دستگیری فعالین سیاسی موسوم به نیروهای ملی - مذهبی.
۸- مونتاژ و آماده‌سازی فیلمی به مناسبت روز جهانی زن (۸ مارس). این فیلم بعلت کیفیت نامناسب پخش نشد.
۹- پخش تراکت و حمل پلاکارد در تظاهرات در زمان برگزاری اجلاس سران کشورهای اتحادیه اروپا.
۱۰- تلاش در جهت تهیه و توزیع نشریه‌ای که معرف و توضیح‌دهنده افکار حقوق بشری و دمکراسی باشد.
خوشحال هستیم که اولین شماره آن را در اختیار علاقمندان و هموطنان قرار دهیم.

دوستان:

عرصه‌های فعالیت حقوق بشری گسترده و متنوع است. چرا که نقض حقوق بشر و لگدمال کردن حقوق دمکراتیک انسان‌ها نیز هر روزه در اشکالی متفاوت و گسترده توسط حکومت‌ها چه در ایران و چه در دیگر کشورهای جهان صورت می‌گیرد. اعتراض به موقع، انتشار و ترویج افکار دمکراتیک و توضیح فرهنگ کاری سترگ و مداوم را طلب می‌کند. زمانی موفق خواهیم شد که این وظیفه را به درستی انجام دهیم که تک‌تک دوستان و علاقمندان به حقوق بشر با ما همکاری، همراهی و همفکری نمایند.
کمیته‌ها و یا شاید بتوان گفت کم‌کاری زیاد بوده و می‌توان روی آنها انگشت گذاشت. ولی فراموش نکنیم که ما تقریباً همه چیز را از صفر شروع کردیم. ما می‌خواهیم و می‌توانیم که فعالیت‌های جامعه را گسترش دهیم و این امر تنها و تنها لازمه‌اش همکاری، همفکری و شرکت تک‌تک دوستان و علاقمندان به مسائل حقوق بشری و دمکراسی است. ما مصرا نه دست تک‌تک هموطنان را بگرمی می‌فشاریم و از هر گونه همکاری با هر نوع فکر و اندیشه صمیمانه استقبال می‌کنیم. بدون تنوع فکری نمی‌توان انتظار خلاقیت در کار را داشت.

مسئول هیئت‌مدیره جامعه

آیا می‌دانید؟

آیا می‌دانید که؟

۱۸۸ کشور جهان به صدور و اجرای مجازات اعدام پایان داده‌اند. ۲۲ کشور از این ممالک اگر چه مجازات اعدام را در قوانین خود دارند، اما در ده سال اخیر اقدام به اجرای آن ننموده‌اند.

آیا می‌دانید که؟

۸۷ کشور در جهان کماکان به صدور و اجرای مجازات اعدام ادامه می‌دهند.

آیا می‌دانید که؟

در سال دوازدهم حداقل ۱۴۵۷ نفر در ۲۸ کشور جهان اعدام شده‌اند و برای ۳۱۵۸ نفر دیگر نیز در ۶۵ کشور جهان حکم اعدام صادر شده و در انتظار اجرای حکم هستند.

آیا می‌دانید که؟

بیش از هشتاد درصد تعداد کل اعدام‌ها در کشور چین به مورد اجرا در آمده است و کشورهای عربستان، آمریکا و ایران در رتبه‌های بعدی این افتخار قرار دارند.

آیا می‌دانید که؟

کشورهایی که قوانین آنها تنها در موارد خاص و استثنایی مجازات اعدام را تجویز می‌کنند شامل کشور های زیر هستند:
آلبانی ۲۰۰۰، آرژانتین ۱۹۸۴، بولیوی ۱۹۹۷، بوسنی ۱۹۹۷، برزیل ۱۹۷۹، جزایر کوک و قبرس ۱۹۸۳، السالوادور ۱۹۸۳، فیجی ۱۹۷۹، اسرائیل ۱۹۵۴، لتونی ۱۹۹۹، مکزیک و پرو ۱۹۷۹.

کشورهایی که کماکان به مجازات اعدام همچون یک عامل پیش‌گیرنده جرم، وفادار هستند ولی از به اجرا گذاشتن آن خودداری ورزیده‌اند: عبارتند از، بوتان، بورکینافاسو، برونڈی، جمهوری آفریقای مرکزی، کنگو، گامبیا، گرانادا، ماداگاسکار، مالدیو، مالی، ناروا، نیجر، گینه‌ی جدید، ساموا، سنگال، سری‌لانکا، سورینام، توگو، تونگا و ترکیه.

آیا میدانید که کدام کشورها مجازات مرگ

را در قوانین خود حفظ نموده‌اند؟

کشورهایی که مجازات اعدام در قوانین آنها وجود داشته و به صورت فعال به اجرای آن می‌پردازند عبارتند از:

افغانستان، الجزایر، آنتی‌گوا، ارمنستان، باهاماس، بحرین، بنگلادش، باربادوس، بلژیک، بنین، روسیه سفید، بوتسوانا، برونڈی، کامرون، چاد، چین، کنگو، کامرون، کوبا، دومینیکان، مصر، گینه استوایی، اریتره، اتیوپی، گابون، غنا، گواتمالا، گینه، هند، اندونزی، ایران، عراق، جامائیکا، ژاپن، اردن، قزاقستان، کنیا، قرقیزستان، کره‌ی شمالی، کویت، لاوس، لبنان، لسوتو، لیبیا، لیبی، ملاوی، مالزی، موریتانی، مغولستان، مراکش، میانمار، نیجریه، عمان، پاکستان، فلسطین، فلپین، قطر، روسیه، رواندا، عربستان سعودی، سنت‌کریستوفر، سنت‌لویس، سنت‌وینسنت، سیرالئون، سنگاپور، سومالی، سودان، سوازیلند، سوریه، تایوان، تاجیکستان، تانزانیا، تایلند، ترینیداد و توباگو، تونس، اوگاندا، امارات متحده، ایالات متحده، ازبکستان، ویتنام، یمن، یوگسلاوی، زامبیا، زیمبابوه.

نقل و تلخیص توسط هیئت تحریریه

موادی از اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر

ماده ۱

تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید با یکدیگر با روحیه‌ای برادرانه رفتار کنند.

ماده ۲

هر کس می‌تواند بی‌هیچ گونه تمایزی، به ویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگر، و همچنین منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های ذکر شده در این اعلامیه بهره‌مند گردد. به علاوه نباید هیچ تبعیضی به عمل آید که مبتنی بر وضع سیاسی، قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور یا سرزمین مستقل، تحت قیمومت یا غیر خودمختار باشد، یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد.

ماده‌ی ۳

هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.

امریکا و انگلیس قرار نگرفته و بدین ترتیب هیچ وقت هم به مورد اجرا گذاشته نشده است. در مقابل بلافاصله تجاوز صدام به کویت که منافع آتی و آتی آمریکا را مورد خطر قرار میداد چنان واکنشی را بدنبال داشت که منجر به ایجاد جنگ مشهور تلویزیونی و فرا تکنیکی اخیر در عراق را بدنبال داشت که هنوز هم ادامه دارد.
در نهایت این آمریکا بود که طالبان‌ها را، و بن‌لادن‌ها را بوجود آورد، بزرگ کرد و به اینجاسراند. اگر عامل ترور نیویورک بن‌لادن و طالبان‌ها باشند روسای جمهور فعلی و روسای جمهور سابق منجمله جورج بوش می‌بایست به مردم آمریکا و همه‌ی مردم جهان جواب‌گو بوده و مورد محاکمه قرار گیرند.

در نهایت اینکه طرفداران حقوق بشر می‌بایست حداقل دو نوع سیاست مشخص در رابطه با محکوم کردن نقض حقوق بشر داشته باشند. اولی، محکوم کردن بلاواسطه و بلافاصله‌ی هر نوع تجاوز بزرگ و کوچک به حقوق بشر و دمکراسی توسط دولت‌ها و گروه‌های تروریست و تروریست‌پرور و در مرحله‌ی دوم ریشه‌یابی و بر خورد تحلیل‌گرانه و تاریخی استراتژیک به مسئله نقض حاکمیت انسانی انسانها توسط قدرت‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی حاکم. به تصور من ریشه‌یابی جنایات اخیر همانقدر اهمیت دارد که محکوم کردن سریع و بدون قید و شرط چنین ترورهایی.

محمد فتی شانزدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی

فاجعه‌ی نیویورک

ادامه از صفحه اول

سناور مجلس سنای آمریکا است حدود چند ماه پیش، از اینکه در عذاب وجدان دائمی باشد خسته شده و افشا کرد که او برخلاف سیاست رسمی و چهره‌ایی که توسط مطبوعات در اذهان عامه از او تصویر شده خودش را قهرمان نمی‌شناسد چرا که او و یارانش بیش از ده‌ها نفر مردم بیگناه ویتنامی را بدون دلیل قتل عام کرده‌اند. (مراجعه کنید به روزنامه‌ی یوتوبوری پوسنتن، منتشره در سال دوهزار و یک، ماه آپریل ۱۰-۲۰۰۱). ناگفته نماند که این اعتراف واقعی بوده و دروغ آپریل نیست. علیرغم کسانی که امروز با اشاره به ترورهای اخیر در آمریکا فقط و فقط زمان حال را در نظر گرفته سیاست و عمل قدرت‌های موجود در گذشته‌ی نه چندان دور فراموش را می‌کنند، ریشه‌ی مسایل جاری را در جای دیگری به غیر از عملکرد داعیان دفاع از دمکراسی نمی‌شود پیدا کرد.

- حوادث موجود در خاورمیانه و دفاع بی‌قید و شرط از تجاوزات اسرائیل به حقوق فلسطینی‌ها و سایر مردم عرب از موارد دیگر آشکار حمایت آمریکا از تروریسم دولتی است. صدها قطعنامه مصوبه سازمان ملل متحد در محکوم کردن اسرائیل و در خواستهای مکرر نمایندگان مردم دنیا از اسرائیل جهت قطع تجاوزات به حقوق مردم فلسطین و عقب کشیدن نیروهای تجاوزگرش از مناطق اشغالی فلسطینی هیچ گاه مورد حمایت